

رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل

دکتر محمد خدایاری فرد^۱، روح‌الله شهابی^{۲*}، سعید اکبری زردخانه^{۳***}

چکیده:

افزایش میزان طلاق در جامعه کنونی ایران، ضرورت بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری و رضایت‌مندی زناشویی را آشکار می‌کند. یکی از این عوامل نگرش مذهبی است که می‌تواند روابط، تصمیم‌گیری، تعهد و ابعاد فرزندپروری زوجین را متأثر سازد. از این‌رو، هدف از مقاله حاضر، بررسی رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه تهران است. گروه نمونه این پژوهش شامل ۱۵۶ دانشجوی متأهل دانشگاه تهران بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش مقیاس نگرش مذهبی خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۵) و مقیاس سازگاری زناشویی اسپنیر (۱۹۷۶) بود. آزمون ضرایب همبستگی نشان داد که بین نگرش مذهبی و رضایت‌مندی زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از بین چهار خرده مقیاس سازگاری زناشویی، نگرش مذهبی بیشترین رابطه را با رضایت دو نفری نشان داد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، خانواده درمانگرها می‌توانند نقش باورهای مذهبی را هم در بروز و هم در حل اختلافات زناشویی، به‌عنوان عاملی مهم در نظر بگیرند. در پایان نیز همسوئی و عدم همسوئی یافته‌ها مورد بحث واقع شده است.

کلیدواژه‌ها: نگرش مذهبی، رضایت زناشویی، دانشجویان

* دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

*** کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

✉ نویسنده مسئول: تهران - بزرگراه شهید چمران - خیابان جلال آل‌احمد - روبروی کوی نصر - دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران - گروه روان‌شناسی

تلفن: ۵ - ۸۸۲۵۰۰۶۲ - ۰۲۱

دورنما: ۸۸۲۵۹۴۱۸ - ۰۲۱

پست الکترونیک: email: akbari76ir@yahoo.com

مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی‌ترین و از لحاظ گستردگی، جهان شمول‌ترین نهاد اجتماعی است. این امر نشان می‌دهد که تشکیل خانواده یکی از اساسی‌ترین و طبیعی‌ترین نیازهای انسان محسوب می‌شود. اولین گام برای ارضای این نیاز اساسی و طبیعی، ازدواج است. اما به‌رغم خوشایندی بودن پیوند ازدواج، داده‌های آماری حکایت از آن دارد که رضایت زوجین به آسانی بدست نمی‌آید. در نتیجه قوی‌ترین پیوند انسانی یعنی ازدواج در مستحکم‌ترین قرارگاه آن یعنی سامانه خانواده در معرض خطر جدی قرار دارد؛ افزایش میزان طلاق در جوامع مختلف و نیز کشور ما (گزارش سازمان ثبت احوال، ۱۳۸۳)، مؤید این مطلب است. از این‌رو ضروری است عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی زناشویی مورد توجه قرار گیرد. با شناسایی این عوامل می‌توان میزان ازدواج‌های با خطر بالا را کاهش داد و بر رضایت و شادکامی ازدواج‌های موجود افزود و از این طریق از پیامدهای ناگوار نابسامانی‌های خانوادگی جلوگیری نمود.

رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های عملکرد سالم نهاد خانواده می‌باشد (گریف، ۲۰۰۰). الیس (۱۹۸۹، ص ۵۵) رضایت‌مندی زناشویی را «احساس عینی خشنودی، رضایت، لذت زن و شوهر از تمامی روابط خود» تعریف می‌کند. عوامل متعددی، رضایت‌مندی زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از آن جمله می‌توان به رضایت از خلق و خوی همسر (بلوم و مهرابیان، ۱۹۹۹) اعتماد، وفاداری و عشق (روزبلات و همکاران، ۱۹۹۹) و درآمد و اشتغال همسر (ویجینتیمالا، کوماری و پاندا، ۲۰۰۴) اشاره کرد.

از آنجایی که دو نهاد مذهب و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تأکید قرار می‌دهند و برای تقویت اجتماعی شدن^۱ به هم وابسته هستند، پژوهشگران رابطه نزدیک بین آن دو را پیش‌بینی می‌کنند. این جهت‌گیری منجر به بیان عباراتی از این قبیل گردید که مذهب می‌تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد (کال و هیتون، ۱۹۹۷). نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی مؤثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه‌دهنده سامانه باورها و ارزش‌ها است که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند (هانلر و گنچوز، ۲۰۰۵). از سوی دیگر نگرش‌های افراد خانواده در مورد مذهب، استمرار و انتقال ارزش‌ها و رفتارهای مذهبی به نسل‌های دیگر را شکل می‌دهد. از این‌رو رابطه مذهب و خانواده را می‌توان یک رابطه اثرگذار و اثرپذیر در نظر گرفت.

این‌که افراد به ازدواج به منزله مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر را، چگونه بر مبنای مذهب تفسیر می‌نمایند، تأثیرپذیری روابط زناشویی از مذهب را نشان می‌دهد (ماهونی، ۲۰۰۵).

سامانه‌های مذهبی متفاوت، احکام، مباحث و رویکرد به زندگی خانوادگی خاص خود را دارند. در اسلام آفرینش زن و مرد از یک خمیر مایه است و آیات نشان می‌دهند بین آن دو پیوندی الهی وجود دارد که در سایه ازدواج این همبستگی به صورت عهدی محکم در می‌آید (نساء، ۲۱) و آن دو مایه آرامش (روم، ۲۱) یکدیگر می‌شوند.

پژوهش‌های بسیاری رابطه بین دینداری زوجین و رضایت زناشویی را مورد بررسی قرار داده‌اند. سولیوان (۲۰۰۱) نشان داده است افرادی که در سطح بالاتری از مذهبی بودن قرار دارند نسبت به افراد دارای سطح مذهبی پایین‌تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی‌تر به نظر می‌رسند. هانلر و گنچوز (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای که روی زوجین ترکیه‌ای انجام دادند پس از کنترل متغیرهایی مانند سطح تحصیلات و مدت زمانی که از زندگی زناشویی آن‌ها می‌گذشت، به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن تأثیر عمده‌ای بر رضایت زناشویی دارد، اما مذهبی بودن زوجین نمی‌تواند حل مسئله زناشویی را در زوجین افزایش دهد.

کال و هیتون (۱۹۹۷) با انجام مطالعه‌ای بر روی ۴۵۸۷ زن و شوهر به این نتیجه رسیدند که از میان ابعاد مختلف دینداری، حضور در کلیسا بیشترین رابطه را با ثبات زناشویی دارد و اختلاف بین زوجین در مورد حضور در کلیسا، خطر جدایی را افزایش می‌دهد. این مطالعه هم‌چنین نشان داد زوجینی که به‌طور منظم با هم به کلیسا می‌روند، کمترین خطر را برای طلاق دارند. مارگارت، دادلی، فردریش و کونینسکی (۱۹۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تجانس مذهبی با همسر، عبادت و حضور در کلیسا (متغیرهای دینداری) مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی فرد می‌باشند. هم‌چنین اورتینکال و ونستیوگن (۲۰۰۶) در مقایسه زوج‌هایی که فقط یک بار ازدواج کردند با زوج‌هایی که چندین بار ازدواج کردند به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن همبستگی مثبت با رضایت زناشویی دارد.

به علت این‌که پژوهش‌های فوق‌الذکر در کشورهای دیگر و بیشتر در کشورهای غربی انجام گرفته است و یا شامل شاخص‌های تک‌موردی (مثلاً حضور در کلیسا) درباره پایبندی به مذهب هستند، هم‌چنین مطالعات انجام گرفته، در گروه‌های جمعیتی دارای تحصیلات بالا نبوده، از این‌رو انجام این قبیل پژوهش‌ها در جوامع مسلمان و در مورد نگرش جامع مذهبی و نیز در گروه نمونه با سطح تحصیلات بالا، ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این امر، هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه رضایت‌مندی زناشویی با نگرش مذهبی در بین دانشجویان متأهل دانشگاه تهران می‌باشد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه تهران هستند. از آن‌جایی که در پژوهش‌های از نوع همبستگی حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر برای بیان چگونگی رابطه ضرورت دارد

(دلاور، ۱۳۸۳) به جهت جلوگیری از کاهش تعداد افراد نمونه از این تعداد، نمونه‌ای متشکل از ۱۵۶ دانشجوی متأهل (۸۵ مرد و ۷۱ زن) از دانشگاه تهران و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت انتخاب افراد نمونه، پس از هماهنگی با مدیریت خوابگاه‌ها و دستیابی به لیست افراد، برای هر یک از اعضای جامعه شماره‌ای تهیه شد، سپس از میان شماره‌های موجود با استفاده از روش قرعه‌کشی اعضای گروه نمونه شناسایی شده، با مراجعه به افراد یاد شده پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت. گویه‌های جمعیت‌شناختی پرسشنامه‌ها طوری طراحی شده بود که امکان شناسایی پاسخ‌دهنده وجود نداشت؛ ضمن آن‌که در مورد محرمانه ماندن اطلاعات ارائه شده نیز به پاسخ‌دهنده اطمینان لازم داده شد.

ابزارهای پژوهش

مقیاس سازگاری زناشویی^۲ (DAS؛ اسپنیر، ۱۹۷۶): این مقیاس یک ابزار ۳۲ ماده‌ای برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی می‌باشد. تحلیل عاملی نشان داده است که این مقیاس چهار بعد رضایت دو نفری^۳، همبستگی دو نفری^۴، توافق دو نفری^۵ و ابراز محبت^۶ را مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره کل مجموع تمام سوالات بین ۰ تا ۱۵۱ است که نمرات بالاتر نشان‌دهنده رابطه بهتر است. همسانی درونی کلی این آزمون با کاربرد روش آلفای کرانباخ ۰/۹۶ گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۷۹). این ابزار در موارد متعدد در پژوهش‌های داخلی مورد استفاده قرار گرفته است. اسماعیلی (۱۳۷۴) ضریب پایایی آن را ۰/۹۲ و فتحی‌آشتیانی و احمدی (۱۳۸۳) ضریب پایایی آن را ۰/۹۴ گزارش نموده‌اند. ضریب آلفای کرانباخ همسانی درونی کل مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۹۴ بدست آمد.

مقیاس دینداری دانشجویی (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۵): این مقیاس یک ابزار ۱۱۳ ماده‌ای است که برای ارزیابی نگرش دانشجویان نسبت به مسائل اعتقادی تهیه شده است. این مقیاس بر مبنای مؤلفه‌های دینداری شامل ۴ خرده مقیاس شناخت دینی (داشتن آگاهی و دانش نسبت به اصول و فروع دین)، باور دینی (پذیرش و تصدیق قلبی اصول و فروع دین)، گرایش و عواطف دینی (علاقه و گرایش عاطفی نسبت به پروردگار یکتا، پیامبران و اولیای الهی) و التزام به وظایف دینی (رفتار کردن و پایبندی به اخلاق و احکام دینی) می‌باشد. آلفای کرانباخ برای کل این مقیاس ۰/۹۵ بوده است. همسانی درونی این مقیاس در این مطالعه با کاربرد روش آلفای کرانباخ، ۰/۹۵ بدست آمده است. روایی محتوایی مقیاس مورد تأیید ۱۲ نفر از متخصصین صاحب‌نظر در حوزه‌های روان‌شناسی، روان‌سنجی و دینی که سابقه انجام طرح پژوهشی در این زمینه را داشتند قرار گرفت. روایی ملاکی ابزار نیز با روش همزمان و با استفاده از دو مقیاس جهت‌گیری مذهبی بهرامی (۱۳۸۰) و نیز با طرح سؤال مستقیم در ارتباط با میزان مذهبی دانستن خود براساس ادراک

خویشتن، پدر، مادر، آشنایان، اقوام، همکلاسی‌ها، اساتید و ناآشنا مورد تأیید قرار گرفت (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۵).

یافته‌ها

تحلیل‌های آماری نشان داد که بین نمره‌های کلی حاصل از اجرای مقیاس دینداری و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌داری ($r = 0/49$, $p < 0/01$) وجود دارد.

جدول ۱: نتایج ضرایب همبستگی رضایت زناشویی و خرده‌مقیاس‌های آن با دینداری و مؤلفه‌های آن

نمره دینداری کل	التزام عملی به وظایف دینی	گرایش و عواطف دینی	باور دینی	شناخت دینی	مؤلفه‌های دینداری مؤلفه رضایت زناشویی
۰/۴۵*	۰/۴۰*	۰/۴۹*	۰/۳۹*	۰/۵۲*	رضایت دو نفری
۰/۳۹*	۰/۲۶*	۰/۴۷*	۰/۴۰*	۰/۳۵*	همبستگی دو نفری
۰/۴۶*	۰/۳۵*	۰/۵۰*	۰/۳۷*	۰/۵۴*	توافق دو نفری
۰/۴۴*	۰/۴۴*	۰/۴۱*	۰/۲۳*	۰/۳۸*	ابراز محبت
۰/۴۹*	۰/۴۴*	۰/۵۵*	۰/۴۲*	۰/۵۲*	رضایت زناشویی کل

* $p < 0/01$

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد بررسی رابطه بین مؤلفه‌های مقیاس زناشویی با مؤلفه‌های دینداری نشان داد که از میان مؤلفه‌های رضایت زناشویی، دینداری بیشترین رابطه را با توافق دونفری دارد ($r = 0/46$, $p < 0/01$). نتایج هم‌چنین نشان داد که از میان مؤلفه‌های دینداری، گرایش و عواطف دینی بیشترین رابطه را با رضایت زناشویی کلی دارد ($r = 0/55$, $p < 0/01$). نتایج ضرایب همبستگی خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی با مؤلفه‌های دینداری نشان می‌دهد که بیشترین رابطه، بین شناخت دینی و توافق دونفری ($r = 0/54$, $p < 0/01$) و کمترین رابطه بین باور دینی و ابراز محبت ($r = 0/23$, $p < 0/01$) است.

در مرحله بعد به منظور بررسی دقیق‌تر چگونگی ارتباط و قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مؤلفه‌های دینداری در رابطه با رضایت زناشویی از تحلیل رگرسیون چندمتغیری گام به گام استفاده شد. در گام نخست از میان مؤلفه‌های دینداری، گرایش و عواطف دینی تحلیل شد و توانست به تنهایی ۵۸٪ واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی نماید. در گام بعد، متغیر باور دینی به مدل اضافه شد و ضریب تبیین را به ۶۴٪ افزایش داد. در گام آخر متغیر التزام به وظایف دینی به مدل افزوده شد که ضریب تبیین نهایی را به مقدار ۶۶٪ رساند. خرده‌مقیاس شناخت دینی به علت وجود کوواریانس و هم‌پوشی

بالا با متغیرهای گرایش و عواطف دینی ($r=0/90$) و باور دینی ($r=0/91$) وارد معادله نشد. خلاصه نتایج در جدول ۲ آمده است. لازم به ذکر است تمام ضرایب همبستگی بدست آمده در سطح $p<0/01$ معنادار می‌باشند.

در پایان نیز به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضامندی زناشویی و دینداری از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد که بین دانشجویان متأهل زن و مرد در دو متغیر رضایت‌مندی زناشویی ($t(154) = 0/55, p<0/05$) و دینداری ($t(154) = 0/1, p<0/05$) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. خلاصه نتایج در جدول ۳ آمده است.

Archive of SID

بحث

نتایج این پژوهش نشان داد که بین میزان دینداری و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های مارگارت و همکاران (۱۹۹۰)، کال و هیتون (۱۹۹۷)، سولیوان (۲۰۰۱)، هانلر و گنچوز (۲۰۰۵) و اورتینگال و ونستیوگن (۲۰۰۶)، همسویی دارد. کلیه این پژوهش‌ها نیز به‌وجود رابطه مثبت بین دینداری و رضایت زناشویی صحه داشته و دینداری را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر احساس رضایت از زندگی زناشویی در نظر گرفته‌اند.

مذهب راهنمایی‌هایی کلی در اختیار بشر قرار می‌دهد که اگر انسان‌ها بدان‌ها عمل نمایند منجر به استحکام پیوند زناشویی می‌گردد. این راهنمایی‌ها شامل قوانینی در مورد روابط جنسی، نقش‌های جنسیتی، از خودگذشتگی^۷ و حل تعارضات در روابط زناشویی می‌باشند (ماهونی، ۲۰۰۳).

یکی از دلایلی که نشان می‌دهد مذهب می‌تواند دیدگاه فکری زوجین را تحت تأثیر قرار دهد این است که، احتمال این‌که افراد مذهبی‌تر ازدواج خود را دارای کیفیتی معنوی ببینند، بیشتر می‌باشد. مطالعه بر روی ۹۷ زوج، که نماینده تنوع مذهبی زوج‌های آمریکایی بودند، نشان داد که آن‌ها مفهوم «تقدس»^۸ را در مورد ازدواج خود به‌کار می‌برند. بدین معنی که غالباً چنین تصور می‌کردند که ازدواج آن‌ها محتوایی معنوی دارد (ماهونی، ۲۰۰۵). بنابراین به نظر می‌رسد اگر زوجین به‌طور عمیق به معنوی بودن ازدواج خود اعتقاد داشته باشند، مشاجرات دائم می‌تواند ترس روانی از دست دادن رابطه با خداوند و احساس گناه را با خود به همراه داشته باشد، از این‌رو سعی در حفاظت از زندگی مشترک خود دارند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴).

یافته‌های دین پژوهشی نشان داد که از میان مؤلفه‌های دینداری، گرایش و عواطف دینی بیشترین رابطه را با رضایت زناشویی دارد. این یافته بدین معناست که مهم‌ترین عامل از عوامل دینداری در کسب رضایت زناشویی در بین زوجین، دارا بودن گرایش و عواطف دینی همسان و هماهنگ بین زوجین است که این توافق به سهم خود می‌تواند هماهنگی عاطفی را یکی از موارد مهم و اساسی در رضایت زناشویی زوجین است، به‌وجود آورد.

عامل دیگری که پس از گرایش عواطف دینی، توانایی پیش‌بینی رضایت زناشویی را دارد، باور دینی است. باور دینی مشترک و همسان بین زوجین که به باورهای دینی و وجود توافقات شناختی بین زوجین منجر شود، می‌تواند به رضایت زناشویی بیشتر منتهی گردد. التزام به وظایف دینی و انجام مشترک مناسک مذهبی گوناگون نظیر سوگواری‌های مذهبی، زیارت مقابر ائمه و امام‌زاده‌ها و در کشور ما نیز که اکثر خانواده‌ها دارای فرهنگ دینی هستند، وجود هرچه بیشتر مشترکات مذهبی، می‌تواند منجر به رضایت زناشویی گردد. لذا یافته‌های پژوهش حاضر هماهنگ با سیستم خانوادگی موجود در جامعه ایران است.

چندین مطالعه (روس، وستفیلد و انسلی، ۲۰۰۱، پترسونو، هایوورث، ترنر و رسکین، ۲۰۰۰) نشان دادند که مورد توجه قرار دادن باورهای مذهبی در طی مراحل درمان می‌تواند در بهبود روابط زن و شوهر مفید باشد. بدین صورت که هرگاه، تعارض خانوادگی بر سر موضوعی خاص شکل می‌گیرد، مذهب می‌تواند از طریق مفاهیم معنوی و ارزش‌های مذهبی مشترک، اختلاف نظر بین افراد را تعدیل کند. تأکید دین بر مفاهیمی مانند تقدس ازدواج، می‌تواند مسیر حل تعارضات زناشویی را هموار سازد (ماهونی و همکاران، ۱۹۹۹). از این‌رو درمانگران می‌توانند نقش باورهای مذهبی و بعد متعالی رابطه زناشویی را طی فرایند حل اختلافات زناشویی مورد توجه قرار دهند.

از سوی دیگر با استفاده از روش‌های مداخله‌ای مذهبی می‌توان به حل تعارضات زناشویی کمک نمود. لطف‌آبادی (۱۳۸۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که ۹۰/۳٪ از مردم تهران دارای هویت دینی بسیار نیرومندی هستند. این امر نشان‌دهنده نیرومندی باورهای دینی در میان مردم کشور ما می‌باشد. از این‌رو، درمانگران می‌توانند از چنین باور و معنویت به‌عنوان یک شیوه درمانی در حل اختلافات زناشویی بهره‌گیرند. خدایاری‌فرد، غباری بناب، فقیهی و وحدت (۱۳۸۱) کاربرد روش درمانی عفو و بخشش^۱ با تأکید بر دیدگاه اسلامی را در خانواده درمانی (درمان تعارض زناشویی) به‌کار برده و کارآمدی آن را نشان داده‌اند.

آن‌چه از نتایج اکثر مطالعات برمی‌آید دینداری و وجود مفاهیم مشترک دینی بین زوجین به‌عنوان تسهیل‌کننده، ایجادکننده تفاهم و حل تعارضات در روابط درون خانوادگی عمل می‌نماید. لذا با توجه به فرهنگ دینی کشور در درجه اول سوق دادن خانواده‌های دارای ارزش مذهبی به سوی درمانگران آشنا به مفاهیم دینی و در درجه دوم تربیت روان‌شناسانی با رویکردهای دینی جهت ارائه خدمات به این‌گونه افراد لازم می‌نماید.

یادداشت‌ها

1. Socialization
2. Dyadic Adjustment Scale
3. Dyadic satisfaction
4. Dyadic cohesion
5. Dyadic consensus
6. Affect ional expression
7. Self sacrifice
8. Sanctification
9. Forgiveness

منابع

افزایش آمار طلاق در کشور، (۱۳۸۳/۹/۲۴). روزنامه اطلاعات، صفحه ۲.

الهی قمشه‌ای، م. (۱۳۷۲). *قرآن مجید با ترجمه و تفسیر فارسی و کشف‌الایات*. تهران: مروی.
اسماعیلی، ب. (۱۳۷۴). *بررسی میزان سازگاری زناشویی و علل آن در بین دانشجویان دانشگاه شهرکرد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.

ثانی، ب. (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.
خدایاری فرد، م.، غباری‌بناب، ب.، فقیهی، ع. و وحدت، ش. (۱۳۸۱). *روش‌درمانی عفو و گذشت با تأکید بر دیدگاه اسلامی: بررسی یک مطالعه موردی*. *مجله اندیشه و رفتار*، ۸ (۱)، ۳۹-۴۸.

خدایاری فرد، م.، فقیهی، ع.، غباری‌بناب، ب.، شکوهی‌یکتا، م. و به‌پژوه، ا. (۱۳۸۵). *آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری در جامعه دانشجویان کشور (گزارش پژوهشی)*. دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران.

فتحی‌آشتیانی، ع. و احمدی، خ. (۱۳۸۳). *بررسی ازدواج موفق و ناموفق در بین دانشجویان*. *مجله دانشور رفتار*، ۱۱ (۷)، ۹-۱۶.
لطف‌آبادی، ح. (۱۳۸۴). *جستجوی مبانی نظری سنجش ویژگی‌های معنوی درمان‌جویان در تعامل با درمان‌گران*. *گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی*، ص ۱۳۸. دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

دلاور، ع. (۱۳۸۳). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: نشر ویرایش.

- Blum, J. S., & Mehrabian, A. (1999). Personality and temperament correlates of marital satisfaction. *Journal of Personality*, 67, 93-125.
- Call, V. R. A., & Heaton, T. B. (1997). Religious influence on marital stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36, 382-392.
- Ellis, A. (1989). *Rational- Emotive Couples Therapy*. New York: Bergamon press.
- Greef, A. P. (2000). Characteristics of families that function well. *Journal of Family Issues*, 21, 948-962.
- Hu" nler, O. S. & Genc, o"z, T. I. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 27(1), 123-136.
- Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent child relationship. *Journal of Social Issues*, 61(4), 689-706.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Jewell, T., Swank, A. B., Scott, E., Emery, E., & Rye, M. (1999). Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*, 13, 321-338.
- Mahoney, A., Paragment, K. I., Swank, A. B., & Swank, N. (2003). Sanctification in family relationships. *Review of Religious Research*, 44, 220-236.
- Margaret, G. Dudley, & Frederic, A., & Konsinski, J. (1990). Religiosity and marital satisfaction: A research note. *Review of Religiosity Research*, 32(1), 78-86.
- Orathinkal, J., & Vansteewegen, A. (2006). Religiosity and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 28, 497-504.
- Roizblatt, A., Kaslow, F., Rivera, S., Fuchs, T., Conejero, C., & Zacharias, A. (1999). Long-lasting marriages in Chile. *Contemporary Family Therapy*, 21, 113-129.
- Rose, E. M., Westefeild, J. S., & Ansley, T. N. (2001). Spiritual issues in counseling: Client's beliefs and preference. *Journal of Counseling Psychology*, 48, 67-71.
- Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and Family*, 38, 15-28.
- Sullivan, T. (2001). Understanding the relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples. *Journal of Family Psychology*, 15, 610-628.

- Patterson, J., Hayworth, M., Turner, C., & Raskin, M. (2000). Spiritual issues in family therapy: A graduate-level course. *Journal of Marital and Family Therapy*, 26, 199-210.
- Vaijyanthimala, K., Kumari, K., & Panda, P. (2004). Socio-economic heteronomy and marital satisfaction. *Journal of Human Ecology*, 15(1), 9-11.

Archive of SID